

سیاست صنعتی منتخب حامی بهبود صنایع کارخانه‌ای

هدیه وجدانی طهرانی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

میزان

سیاست صنعتی منتخب، سیاستی است که به منظور ارتقاء کارایی و بهبود بهره‌وری کل اقتصاد، به ویژه در صنایع هدفگذاری شده تدوین می‌شود و در چارچوب آن از صنایع، بخشها یا حتی بنگاههای خاصی حمایت منطقی می‌شود. بنا به تعریف کمیسیون تجارت بین‌الملل ایالات متحده (۱۹۸۵ میلادی)، هدفگذاری صنعتی عبارت است از "اقدامات هماهنگ دولت برای هدایت منابع مولد و کمک به تولیدکنندگان داخلی در صنایع منتخب با هدف رقابتی‌تر شدن آنها" اما چون برخی صنایع در حال حاضر قابلیت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی را ندارند و در برخی موارد ساختارهای صنعتی کشوری مرتبط با هدفگذاری سایر دولتها نیست، ضروری است برای تعیین صنایع هدف، معیارهای خاصی از قبیل "ارزش افزوده سرانه بالاتر"، "صنایع مرتبط"، "رقابت‌پذیری در آینده" و "واکنش نسبت به دولتهای دیگر" مورد توجه قرار گیرند.

با توجه به مراحل سیر تکامل اقتصادی (قبل از صنعتی‌شدن، صنعتی‌شدن و پس از صنعتی‌شدن (مبتنی بر دانش)، ملاحظه می‌شود که در مرحله نخست، پایه و اساس فعالیتهای اقتصادی، بخش کشاورزی است و غالباً از تکنولوژیهای کاربر و منابع بر استفاده می‌شود، بخش عمده محصولات مصرفی را مواد غذایی، پوشاک و کالاهای دست‌ساز تشکیل می‌دهد، ماهیت بیشترین فرایندهای تولیدی بر مبنای تعاملات میان انسان و طبیعت است و عامل اصلی رشد اقتصادی، بهره‌وری منابع طبیعی است. سپس با گذشت زمان با پیشرفت فناوری و رشد بخش صنعت و تاثیر آن بر بکارگیری ماشین‌آلات و تکنیکهای جدید در بخش کشاورزی، بهره‌وری نیروی کار در این بخش در مقایسه با سایر بخشها افزایش می‌یابد این امر از یکسو سبب کاهش قیمت محصولات کشاورزی و در نتیجه، کاهش سهم محصولات کشاورزی در تولید ناخالص داخلی می‌شود و از سوی دیگر نیاز به کارگران در این بخش کاهش می‌یابد و در مقابل در بخش صنعت افزایش می‌یابد. در نتیجه سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی به تولیدات صنعتی اختصاص می‌یابد بطوریکه در این مرحله محور فعالیتهای اقتصادی را بخش صنعت تشکیل می‌دهد و غالباً از فناوریهای سرمایه‌بر استفاده می‌شود. بخش عمده محصولات مصرفی نیز به کالاهای صنعتی اختصاص می‌یابد. ماهیت فرایندهای تولیدی بیشتر

بر مبنای تعاملات میان انسان و ماشین است و عامل اصلی رشد اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار است. با افزایش هرچه بیشتر درآمدهای اقتصادی رفته‌رفته نیاز مردم به مواد ضروری کمتر می‌شود و تقاضا برای خدماتی نظیر بهداشت، آموزش، تفریح، گردشگری و ... افزایش می‌یابد. بهبود فناوری در بخش صنعت، بهره‌وری نیروی کار در این بخش را افزایش می‌دهد و سبب کاهش چشمگیری در اشتغال این بخش می‌شود. لیکن عدم قابلیت بکارگیری ماشین‌آلات در بسیاری از بخشهای خدماتی سبب افزایش اشتغال در خدمات شده و در نتیجه این بخش به عنوان بخش پیشروی اقتصاد جایگزین بخش صنعت می‌شود. در این مرحله محوریت فعالیتهای اقتصادی را بخش خدمات تشکیل می‌دهد و غالباً از تکنولوژیهای دانش‌بر استفاده می‌شود، بخش عمده محصولات مصرفی، اطلاعات و خدمات دانشی خواهد بود و ماهیت بیشترین فرایندهای تولیدی بر مبنای تعاملات میان انسان با انسان بوده و بهره‌وری فکری و نوآوری و خلاقیت عامل اصلی رشد اقتصادی خواهد بود، از اینرو با توجه به هدف سیاست صنعتی که همانا بهبود بهره‌وری بخش صنعت به ویژه صنایع کارخانه‌ای به عنوان منبع اصلی رشد بهره‌وری است، اجرای سیاست‌های صنعتی به خصوص در ارتباط با صنایع هدفگذاری شده اهمیت خاصی دارد. در این رابطه می‌توان به اجرای موفقیت‌آمیز سیاستهای صنعتی در کشورهای چون ژاپن، ایالات متحده و آلمان اشاره نمود.

سیاست صنعتی منتخب در بدو امر به دلیل وجود بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس در صنایع کارخانه‌ای و ارتباط نرخ بازدهی سرمایه‌گذاریهای مختلف با یکدیگر، بهره‌وری در بخش صنایع کارخانه‌ای و نیز دیگر بخشهای وابسته به آن را بهبود می‌بخشد. همچنین به دلیل زمان‌بر بودن فرایند انباشت ظرفیتهای تولیدی و نیز بالابودن هزینه‌های ثابت در رابطه با تولیدات صنایع کارخانه‌ای (از قبیل تهیه ماشین‌آلات و تجهیزات)، تولیدکنندگان صنایع نوزاد و تولیدکنندگان کوچک و متوسط را (از طرق مختلفی چون تعرفه‌ها و یارانه‌های مربوط به سرمایه‌گذاریهای تجهیزات، تحقیق و توسعه، آموزش کارگران، تنظیم مقررات، سرمایه‌گذاریهای خارجی و سایر اقدامات)، بیش از سایر صنایع مورد حمایت قرار می‌دهد. ضمن اینکه با بکارگیری و توسعه ظرفیتهای مولد (از طریق فرایندهای یادگیری و تولیدی) سبب ایجاد رقابت‌پذیری در سیستم نوآوری شده و با برقراری مشوقهای کمتری در رابطه با ورود تکنولوژی بطور مستقیم (از طریق صدور مجوز و یا

سرمایه‌گذاریهای خارجی) برای کشورهای واردکننده نسبت به ورود غیرمستقیم آن (از طریق ماشین‌آلات)، به ارتقاء ظرفیتهای تکنولوژیکی در داخل کشور کمک می‌نماید.

از اینرو به منظور انجام تولیدات صنعتی مدرن، استراتژی صنعتی هماهنگ و رقابتی مورد نیاز است که تمامی بخش‌های اقتصاد را پوشش دهد. دولت نیز می‌تواند با هدفگذاری صنایع به جای تمرکز بر بهبودی تمامی صنایع، در ابتدا بر صنایع پیشرو متمرکز شود علاوه براین با انجام هزینه‌های تحقیقات عمومی و آموزشی در دانشگاههای دولتی و نهادهای آموزشی و بالاخره ارائه خدمات گسترده در رابطه با کارگران در بنگاههای کوچک و صنایع نوزاد، زمینه‌های توسعه ظرفیتهای تولیدی را فراهم نماید و از این طریق درآمد ملی کشور را افزایش دهد.